



# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۹

جمعه ۱ خرداد ۱۳۹۴، ۲۲ مای ۲۰۱۵

## اطلاعیه پایانی چهل و سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

کارشناسان و نهادها و رسانه های بورژوازی جهانی مورد تاکید قرار میگيرد، بیش از هر زمان ضرورت تحزب یافتن نیروی چپ اجتماعی را مطرح و برجسته میکند. او گفت تا آنجا که به شرایط ایران مربوط میشود حضور و دخالتگری هر چه بیشتر و فعالیت سازمانگرا نه هر چه گسترده تر حزب در اعتراضات اجتماعی و تبدیل شدن به نماینده و سازماندهنده نیروی اجتماعی چپ اساس و محور سیاستهای حزب در شرایط حاضر را تشکیل میدهد.

صفحه ۲

توافقات هسته ای بر وضعیت سیاسی ایران، سیاست سازماندهی حزبی و اولویت های رهبری حزب در دوره آتی اهم مباحث این پلنوم را تشکیل میداد. حمید تقوایی لیبر حزب در بحث افتتاحیه به بحران عمیق سرمایه داری و زمینه های مساعد در ایران و در سطح جهان برای پیشروی چپ اشاره کرد. وی بر این نکته تاکید کرد که بحران همه جانبه سرمایه داری و بویژه سردرگمی سیاسی بورژوازی که تحت عنوان بحران دموکراسی و بی اعتبار شدن احزاب سنتی راست از جانب خود

پلنوم چهل و سوم کمیته مرکزی حزب در روزهای ۱۶ و ۱۷ مه ۲۰۱۵ (۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد و بعد از دو روز مباحث فشرده، مهم و راهگشا به کار خود پایان داد. گزارش فعالیت های حزب، قطعه نامه درمورد تاثیر مذاکرات و

### یادداشت های هفته

عمید تقوایی

#### فاسد کیست؟

زنده باد مجمع عمومی، زنده باد شوراهای واقعی کارگران!

زیرساخت اقتصادی جمهوری اسلامی چیست؟

صفحه ۵

#### معلمان کوتاه نیایند

صفحه ۸

### فرمانده کل نیروهای انتظامی یک دزد تمام عیار

شهلا دانشفر

صفحه ۴

### داعش را میتوان و باید متوقف و نابود کرد!

بهروز مهرآبادی

صفحه ۶

### بیستم ژوئن برابر با سی خرداد

علیه شکنجه و زندان و اعدام در روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

صفحه ۷

### قطعه نامه در مورد تاثیر مذاکرات و توافقات هسته ای

#### بر وضعیت سیاسی ایران

مصوب پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

(به اتفاق آرا)

صفحه ۲

### قرار در مورد سیاست سازماندهی

مصوب پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب (باتفاق آرا)

صفحه ۳

از ما میپرسند:

در باره: مناسبات داوطلبانه جنسی و نهاد خانواده



کاظم نیکخواه پاسخ میدهد

صفحه ۷



# اطلاعیه پایانی چهل و سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۱

در بحث گزارش که توسط اصغر کریمی دبیر اجرایی حزب و مسئولان ارگانها و عرصه های مختلف فعالیت حزب ارائه شد، فشرده ای از فعالیت های متنوع حزب در داخل و خارج کشور مورد بحث قرار گرفت. در این مبحث بویژه گسترش و تعمیق جنبش کارگری و اعتراضات معلمان و پیشروی حزب در این زمینه مورد بحث قرار گرفت، نقاط قوت و ضعف حزب بررسی شد و راههای تقویت حزب و عرصه های مختلف فعالیت آن مورد تاکید قرار گرفت. در این بحث همچنین به موقعیت ضعیف جمهوری اسلامی در مقابل اعتراضات و زمینه مساعد برای پیشروی مردم بویژه

جنبش کارگری مورد اشاره قرار گرفت.

محسن ابراهیمی، رئیس دفتر سیاسی در گزارش خود ضمن تحلیل نافرجام ماندن انقلابات ۲۰۱۱ تاکید کرد که پاسخ دادن به چنین وظیفه ای فقط از عهده انقلابی برمیآید که توسط یک حزب انقلابی هدایت شود. او ضمن تاکید بر این نکته که نیروهای بازمانده از حکومت اسلامی و باندهای ناسیونالیست قوم پرست خطر جدی در مقابل انقلاب آتی مردم خواهند بود مطرح کرد که انقلاب آتی ایران برای پیروزی نه تنها باید مقاومت حکومتیها در قالب باندهای اسلامی را در هم بکشند بلکه باید با تحرك باندهای ناسیونالیستی و قومپرست به طور

جدی مقابله کند. او تاکید کرد که انقلاب آتی ایران در صورت حضور تعیین کننده طبقه کارگر و حزب انقلابی در رهبریش میتواند نقشی تاریخی و جهانی ایفا کند.

اعضای کمیته مرکزی و مشاورین و کادرهای حاضر در پلنوم فعالانه حول گزارش و مباحث سیاسی پلنوم به بحث و اظهار نظر حول آن پرداختند و بحث ها و پیشنهادات سازنده ای در زمینه های مختلف ارائه دادند.

در جوار پلنوم همچنین سمیناری درمورد سیاست سازماندهی حزبی و سمیناری با عنوان حزب در مبارزه طبقاتی برگزار شد و شرکت کنندگان از جوانب مختلف به بحث و تبادل نظر حول این

موضوعات پرداختند.

بعد از برگزاری این سمینارها پلنوم طی قراری سند سیاست سازماندهی حزبی که بوسیله هیات اجرائی تدوین و تصویب شده بود را مورد تایید قرار داد.

در مبحث انتخابات حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد. همچنین ۲۴ نفر به عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که به ترتیب عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، فریبرز پویا، کیوان جاوید، علی جوادی، شهلا دانشفر، بهرام شروش، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزاد،

اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، شیوا محبوبی، مریم نمازی، نسان نودینیان و کاظم نیکخواه. پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی و در فضایی از همدلی و خوشبینی به نقش حزب و تحولات مهمی که در جنبش های اعتراضی در ایران در جریان است پایان رسید. در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد محسن ابراهیمی به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ مه ۲۰۱۳، ۳۰ اردیبهشت  
۱۳۹۴

## قطعنامه در مورد تاثیر مذاکرات و توافقات هسته ای بر وضعیت سیاسی ایران

### مصوب پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران (به اتفاق آرا)

۱- توافق لوزان که با عقب نشینی آشکار جمهوری اسلامی از سیاستهای هسته ای و حتی خط قرمزهای حاصل شد نقطه عطفی در سیر مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب و آغازگر دوره تازه ای در حیات جمهوری اسلامی است. نتیجه نهائی مذاکرات هسته ای هر چه باشد روندی که با توافق لوزان آغاز شده است از یکسو به بحران حکومتی جمهوری اسلامی دامن خواهد زد و از سوی دیگر فضای مساعدی برای گسترش اعتراضات و مبارزات مردم فراهم خواهد ساخت.

۲- مذاکرات جاری رسماً و مشخصاً بر سر دست شستن حکومت اسلامی از پرونده دستیابی به سلاح هسته ای در مقابل رفع تحریمها است اما عملاً و در یک سطح پایه ای تر این رابطه جمهوری اسلامی با غرب است که در قالب مذاکرات هسته ای مطرح و بجلو رانده شده است. توافق

لوزان مساله عادیسازی رابطه با غرب را به یک گفتنمان و امر مطرح و محتمل در میان حکومتی ها و در جامعه بدل کرده است. این به معنای احتمال یک چرخش استراتژیک در جهت گیریهای ضد آمریکائی و ضد غربی جمهوری اسلامی و آغازگر دور تازه ای از تلاطمات و تکانهای شدید اجتماعی - سیاسی در ایران است.

۳- جناحهای حکومت تحت فشار تحریمها و بن بست اقتصادی به مذاکره و توافق لوزان رضایت داده اند اما در مورد رابطه با غرب خط و موضع یکسانی ندارند. برای خامنه ای و جناح اصولگرا توافق هسته ای صرفاً یک عقب نشینی تاکتیکی و مقطعی برای رفع تحریمها است. اما جناح روحانی - رفسنجانی توافق لوزان را "پله اول" تنش زدائی با آمریکا میدانند و هدف برقراری رابطه متعارف با غرب را دنبال میکنند.

۴- موضع و تلقی متفاوت جناحهای حکومتی از مذاکرات هسته ای و اهداف و نتایج آن صرفاً ناشی از رقابت بر سر موقعیت و قدرت دار و دسته های حکومتی نیست بلکه بازتاب یک مساله و تناقض سیاسی واقعی است. از یکسو وضع موجود جمهوری اسلامی را در آستانه فلج و فروپاشی کامل اقتصادی قرار داده است و دیگر قابل ادامه نیست و از سوی دیگر هر درجه نزدیکی با "شیطان بزرگ" کل سابقه و سرمایه سیاسی و تصویر و تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش به دست داده است را به زیر سؤال خواهد برد. و این بنویه خود تضعیف هر چه بیشتر موقعیت جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی، در منطقه و در جامعه ایران را بدنبال خواهد داشت.

۵- در تحلیل نهائی آنچه از یکسو رژیم را به سر میز مذاکرات و کوتاه

آمدن بر سر مساله هسته ای کشانده و از سوی دیگر مساله رابطه با غرب را به یک تابو و معضل لاینحل برای حکومت تبدیل کرده است ترس و نگرانی حکومت از اوج گرفتن مبارزات مردم بویژه در اثر فشارها و محرومیتهای اقتصادی و تضعیف بیش از پیش موقعیت رژیم در ایران و در منطقه در اثر کم رنگ شدن هویت ضد غربی جمهوری اسلامی است. اختلاف جناحها در مورد رابطه با غرب در اساس و جوهر خود اختلاف بر سر استراتژی بقا است. جناحی بقای رژیم را در گرو تعامل با غرب میدانند و جناح دیگر بقای نظام اسلامی را در ادامه خط فرستیزی جستجو میکنند.

۶- تن دادن جمهوری اسلامی به شرایط دولت آمریکا و متحدینش بر سر پرونده هسته ای و حتی سازشهای بیشتر رژیم به معنی متعارف شدن نظام جمهوری اسلامی نیست.

جمهوری اسلامی برای تبدیل شدن به حکومت مطلوب و قابل قبول بورژوازی بومی و جهانی در ایران نیازمند به تغییرات ایدئولوژیک، ساختاری و سیاسی ای است که عملاً معنای بجز نفی نظام جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

۷- تخفیف و رفع تحریمها گرچه طبعاً از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریمها خواهد کاست اما مسائل و مصائب معیشتی مردم را رفع نخواهد کرد. وضعیت اقتصادی بحرانی و بی ثبات جمهوری اسلامی و فقر و فلاکت و شرایط سخت معیشتی توده مردم ناشی از تحریمهای اقتصادی نیست و با رفع تحریمها نیز برطرف نمیشود. "عادیسازی رابطه با غرب" و "گشایش اقتصادی" به معنی پیاده کردن تمام و کمال سیاست ریاضت کشی اقتصادی مورد توصیه بانک

# قرار در مورد سیاست سازماندهی

## مصوب پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب (باتفاق آرا)

آشکار شده است. این صرفاً یک پیشرفت تکنیکی نیست بلکه مکانیسم های مبارزه طبقاتی بخاطر میبای اجتماعی کاملاً دگرگون شده است (از پدیده اسنودن و آسانژ تا جنبش ترمرد در مصر و تا عضوگیری های هزار هزار سیریزا و پودموس). بدون استفاده از و اتکا به میبای اجتماعی هر اندازه هم که به اشکال سنتی حزب درست کرده باشیم، در حد گروه فشار باقی خواهیم ماند.

۸- کادرها ستون فقرات حزب هستند و در پیشبرد سیاستها، سازماندهی و تقویت حزب در داخل نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند. کادرسازی در تشکیلات داخل یک رکن فعالیت و اولویت همیشگی حزب است و باید برنامه و نقشه عمل همه جانبه ای برای آموزش و ارتقای اعضا به کادر حزب تدوین شده و پیگیرانه دنبال شود.

۹- چهره ها و شخصیتها نه تنها در خارج کشور بلکه در مبارزه در داخل ایران نیز نقش مهمی دارند. منتها شخصیت هایی که نه با هویت حزبی بلکه بعنوان چهره یک حرکت اعتراضی معین (علیه حجاب، علیه آلودگی محیط زیست، جنبش افزایش دستمزدها، جنبش خلاصی فرهنگی و اعتراضات معلمان، پرستاران، بازنشستگان، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و غیره) در جامعه شناخته و محبوب میشوند. سازمان حزب هر چه بیشتر از این نوع شخصیتها داشته باشد موقعیت قدرتمندتری در سیر تحولات کنونی و انقلاب آتی خواهد داشت.

۱۰- کار روتین، یک وجه کار سازمان حزبی در داخل پیشبرد وظایف روتین است (ترویج و پخش و آموزش ادبیات حزبی، رابطه منظم با رهبری در خارج، جمع آوری کمک مالی، عضو گیری، و معرفی کانال جدید و سایتها و میبای حزبی و غیره). این نوع فعالیتها کلاسیک نیز باید اساساً با ابزار میبای اجتماعی به پیش برده شود.

۱۱- امور مبارزاتی و تاکتیکی داخل کشور باید از طریق کادرها و انورتیه های شبکه های حزبی در داخل به پیش برده شود. رهبری حزب (کمیته سازمانده و غیره) در یک مقیاس ماکرو سیاستگذاری میکند و به کار داخل کشور جهت میدهد. نقشه عمل و اقدامات عملی مشخص باید به خود تشکیلات داخل سپرده شود.

۱۲- سازماندهی جدید با موانع متعددی روبروست که مهمترین آن سنتهای سبک کاری و سازمانی گذشته است. این مساله به شکل تفاوت نسلی هم خود را نشان میدهد. برای کادری قدیمی به کارگرفتن میبای اجتماعی و سازماندهی بر این مبنا دشوار است، اما نسل جوان برعکس تنها با اشکال امروز مبارزه آشناست و به اشکال سنتی سازماندهی تن نمیدهد. جوانان در حزب و در جامعه نقش تعیین کننده ای در سازماندهی حزبی به شیوه امروزی ایفا میکنند. در درون حزب باید با جا باز کردن و میدان دادن به کادری جوان، با نقد دیدگاههای سنتی و آموزش مداوم و عمل کردن به سیاستها و سبک کار سازماندهی جدید این مانع را برطرف کرد.

عمیق تر و همه جانبه تری از نظام موجود برسند و کارزار و نبرد مشخص خود را بعنوان جزئی از یک جنگ همه جانبه با نظام موجود ببینند. اساس وظیفه حزب اینست که این فعالین اجتماعی را به این درک و نقد عمیق و ریشه ای برساند.

۴- شالوده و بدنه سازمان حزب شبکه های حزبی هستند که در دل شبکه های فعالین عرصه های مختلف مبارزاتی و بر متن روابط اجتماعی و طبیعی این فعالین با یکدیگر شکل گرفته اند. سیاست حزب کماکان معرفی نکردن و متصل نکردن اعضا و کادرها به یکدیگر است. میتوان گفت اساس کار ما سازماندهی شبکه حزبی نه از طریق وصل کردن فعالین به یکدیگر، بلکه از دل شبکه اجتماعی است. شبکه حزبی یعنی سازمان فعالین کمونیست که با خط و استراتژی حزب و برای پیشبرد آن در پراتیک مبارزاتی معینی فعالند. هدف و امر آنها هدف و امر حزب است (خلع ید سیاسی اقتصادی از بورژوازی و بقدرت رسیدن حزب) و به این خاطر در یک عرصه معین فعالیت میکنند.

۵- حزبی شدن فعالین به معنی جدا شدن آنها از عرصه فعالیتشان نیست بلکه به معنی نمایندگی کردن و پیشبرد خط و سیاستهای حزب در همان عرصه است. میتوان گفت ارتقای یک اکتیویست متمایل به چپ و سیاستهای حزبی به یک کادر کمونیست در این است که اولی خود را فعال حرکت و جنبش معینی می بیند که از سر اهداف و مصالح آن جنبش به حزب نزدیک شده است و دومی برعکس خود را فعال کمونیستی می بیند که برای پیشبرد اهداف و سیاستهای کمونیستی در جنبش معینی دخیل شده است. ارتقا از حالت اول به دوم برای حزب و جنبش کمونیسم کارگری مطلقاً حیاتی است. بدون این تحول از اکتیویست به کادر کمونیست، این امکان وجود دارد که فعالین بدلیل درک محدود از حزب و برنامه و اهداف و سیاست های آن بسرعت از حزب فاصله بگیرند.

۶- شالوده سازمانی حزب شبکه های متشکل از فعالین اجتماعی است اما همه جذب شدگان به حزب فعال اجتماعی نیستند. از طریق تلویزیون و غیره افراد و جمعیهایی که در عرصه معینی فعال نیستند نیز به حزب جذب میشوند. این افراد و جمعیه نیز نهایتاً تا حول فعالیت شبکه های حزبی فعال میشوند و یا خود پراتیک اجتماعی معینی را در دستور میگذارند.

۷- یکی از ابزارهای اصلی سازماندهی و اعتراض توده ای و حزبی میبای اجتماعی است. در انقلابات منطقه، در جنبش اشغال و در یونان نقش مهم و موثر میبای اجتماعی بر همه

پلنوم سند میبانی سازماندهی حزبی مصوب هیات اجرائی را مود تأیید قرار میدهد.

توضیح: سند میبانی سازماندهی حزبی قبل از پلنوم بوسیله هیات اجرائی حزب تدوین و تصویب شده بود. این سند در سمیناری که در مورد سیاست سازماندهی در جوار پلنوم برگزار شد، توضیح داده شد و از جوانب مختلف مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. هیات اجرائی نقشه عمل و طرح اقدامات عملی رهبری حزب در پیشبرد این سند را نیز به پلنوم ارائه کرده بود. قرار فوق بعد از برگزاری سمینار مورد تصویب پلنوم قرار گرفت.

## مبانی سازماندهی حزبی

### مصوب هیات اجرائی

۱- سازمان حزبی بر متن دخالتگری و شرکت فعال حزب در پراتیک اجتماعی و حرکتهای اعتراضی موجود (که نهادها و چهره ها و تعین خود را دارند) و همچنین حرکتهای مبارزاتی با ابتکار حزب - حرکتهایی که زمینه های آن در جامعه وجود دارد - شکل میگیرد.

۲- اساس سیاست سازماندهی حزبی سازمان دادن اکتیویستها بر متن پراتیک اجتماعی است. این اکتیویستها در جنبش کارگری و جنبشهای دیگر فی الحال در مراکز کار و زیست و یا در نهادها (کمیته ها و کانونها و ان جی او ها و انجمنها و غیره) و در شبکه های نسبتاً گسترده (فرا تر از محیط کار و زیست) فعالند و بعضاً چهره های نسبتاً سرشناسی هستند. عبارت دیگر جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی در ایران زیر زمینی و بی شکل نیستند بلکه متعین هستند. این امر در سازماندهی حزبی فاکتور مهمی است.

۳- بر مبانی پراتیک اجتماعی فوق فعالینی گرد حزب جمع میشوند که باید به سطح عضو و کادر حزب ارتقا داده شوند. پراتیک مبارزاتی در هر عرصه عمدتاً فعالین همان عرصه را تولید میکند. باید این فعالین و یا آماده ترین و مستعد ترینشان را به فعالین حزبی (جنبش کمونیسم کارگری) ارتقا داد. این مهمترین حلقه کار در سازماندهی حزبی است. انجام این وظیفه امری سیاسی و حزبی است. اکتیویستهای عرصه ای باید در روند مبارزه و تجربه خود و به کمک آگاهگری و آموزش حزبی، به نقد



# فرمانده کل نیروهای انتظامی یک دزد تمام عیار

## شهلا دانشفر



اما بحث بر سر بنیاد تعاون ناجا یکی از ثروتمندترین بنیادهای نزدیک به نهادهای نظامی و امنیتی است. اخلاص در بازار ارز، و واریز نکردن پول حاصل از فروش نفت به خزانه کشور از جمله اقدام دزدی های کلان این شبکه قید شده است که سر به میلیاردها دلار میزند. بانک قانون نیز از مراکز اصلی فعالیت این مافیای اقتصادی بوده است. ابعاد این دزدی به حدی گسترده است که با بر ملا شدن موضوع مدیر عامل این بنیاد بلافاصله برکنار شد و بعد هم وقتی بحث کشیده شدن موضوع به مجلس به میان آمد، احمدی مقدم بطور تلویحی موضوع را پذیرفت و آنرا محدود به یکی از زیر مجموعه های مرتبط با بنیاد ناجا توضیح داد. و همه این دزدی ها در پناه پنهان کاری های دستگاه قضایی و با همکاری نهادهای نظامی، امنیتی صورت گرفته است و این باند با نفوذ تمام تلاش خود را به کار بردند، تا جلوی تحقیق و تفحص مجلس از تعاون ناجا را بگیرند. ولی به نظر می رسد

میگردند و کسی کاری به کارشان ندارد. اما برخی در جریان جنگها و نزاعها روانه بازداشت و زندان میشوند. اکنون نوبت احمدی مقدم رسیده است.

یادآوری کنیم که در اسفند ماه گذشته احمدی مقدم با یک قدرانی از جانب خامنه ای از فرماندهی کل نیروی انتظامی برکنار شد. آن زمان مسئولان حکومتی لام تا کام از علتش سخن نگفتند و آنرا یک جایبای داوطلبانه و نامرد کردند. حالا خبرها حاکیست که این جایبای با کشف یک شبکه دزدی و فساد در زیر مجموعه های مرتبط با نیروی انتظامی مربوط بوده است. بنا بر خبری که از سوی سایت کلمه انتشار یافته است دستکم دوازده نفر از مسئولان ارشد بنیاد تعاون ناجا و سرداران نیروی انتظامی با احمدی مقدم و باندش همدست هستند. و حتی بحث بر سر ارتباط این پرونده با قالیباف شهردار تهران است. رقم اولیه دزدی احمدی مقدم مبلغ ۱۲ هزار میلیارد ریال اعلام شده است.

اندرکاران جنایاتی است که در کهریزک اتفاق افتاد. تا جاییکه خودش در جایی میگوید: "در این بازداشتگاه و اتفاقات آن من هم تقصیر دارم". و در پشت این جنایات، حفظ نظام و بازار دزد بازارشان را میبینیم. بطور خلاصه احمدی مقدم یکی از سران این حکومت است که دستهایش تا آرنج به خون مردم معترض آغشته است.

و امروز در دل نزاعهای درونی شان، جنایات و دزدی های وی نیز بر ملا میشود. همه مردم میدانند که سران جمهوری اسلامی همه دزد و چپاولگرند و اگر هر از چند گاه یکی را بعنوان دزد قربانی میکنند نتیجه توازن قوایی تازه در کشاکشهای جناحی است. ارقام کلان دزدی های میلیاردری جانبانی چون سعید مرتضوی، بابک زنجانی، بابک زنجانی دوم، بیت رهبری، رفسنجانی و دارو دسته هایش و یکسری آیت الله های ریز و درشت دیگر قبلا رو شده است. برخی از اینها مثل بیت خامنه ای هنوز دارند راست راست

خبرها حاکی از بازداشت احمدی مقدم، یکی دیگر از چهره های کثیف رژیم اسلامی است. جناب مقدم نیز در کشاکش و نزاع باندهای حکومتی دزدباز رو شده و بازداشت شده است. او را همه میشناسند. او کارنامه "درخشانی" از جنایت دارد و یکی از مهره های اصلی و بنیادی رژیم اسلامی در سرکوب مردم بوده است. "طرح ارتقای امنیت اجتماعی" و "حمله به زنان و مردانی که بزعم پلیس ظاهر اسلامی نداشتند، طرح "عفاف و حجاب" و راه انداختن اوباش امر به معروف و نهی از منکر و تعرض به زنان تحت عنوان بدحجابی، راه اندازی کنترل موبایل و شنود گفتمان های مردم، راه انداختن خانه گردی و جمع کردن ماهواره ها، همه و همه از جمله طرحهای سرکوبگرانه حکومت اسلامی بود که تحت ریاست احمدی مقدم و بعضا با طراحی خود وی صورت گرفته است. او یکی از دست

اوضاع به ضرر جناب فرمانده سابق ناجا چرخیده است و ایشان در نوبت محاکمه ایستاده است. روشن است که از جمهوری اسلامی نمیتوان انتظار داشت که دزدان و چپاولگران اصلی خود را در ملاء عام افشا کند و مورد محاکمه قرار دهد. اما رو شدن این پرونده ها زمینه را نه فقط برای محاکمه این جانیان در دادگاههای مردمی فراهم میکند بلکه در عین حال به مردم امکان میدهد که در مبارزات روز مره خود و در تعرضات خود به حکومت از این فاکتها که گوشه هایی از وضعیت کل حکومت دزدان حاکم را بر ملا میکند استفاده کنند.



## ابراهیم مددی و داود رضوی از مسئولان سندیکای واحد بعد از ۲۲ روز آزاد شدند

اتویوس رانی شرکت واحد خانواده آنها و کارگران و تشکلهای کارگری شادباش میگویم. کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی باید فورا و بی قید و شرط آزاد شوند.

ابراهیم مددی و داوود رضوی اعضای بازداشت شده سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بعد از ۲۲ روز بازداشت موقت در تاریخ ۳۰ اردیبهشت با قرار کفالت صد میلیونی از زندان اوین آزاد شدند. ما آزادی این فعالین کارگری را به سندیکای شرکت واحد، همه کارگران

اعتراض مردم به پامال شدن حقوق انسانی گسترش پیدا خواهد کرد و هم در دنیا این اعتراضات انعکاس بیشتری خواهند داشت.

۱۰- چشم انداز نزدیکی جمهوری اسلامی و غرب و حتی گفتمان و بمرکز توجه رانده شدن این موضوع سردرگمی و بی افقی بیشتر اپوزیسیون سلطنت طلب- جمهوریخواه را بدنبال خواهد داشت. سازش هسته ای و سازشهای احتمالی بعدی مبنا و اساس مکانیسم دست بدست شدن قدرت به کمک آمریکا و سناریوی رژیم چنج را که امید و چشم انداز مشترک همه نیروهای اپوزیسیون سلطنت- جمهوریخواه است کور و منتفی میکند. این شرایط آلترناتیو چپ، یعنی سرنگونی بقدرت انقلاب مردم را بیش از پیش در چشم انداز جامعه قرار میدهد.

یک روز مشخص این تحرکات تازه شکل گیری ائتلاف سیاسی نظامی ده کشور منطقه حول عربستان سعودی و حمله به یمن است که با اعلام حمایت رسمی و علنی آمریکا و متحین اروپائی اش و همزمان با مذاکرات در لوزان آغاز شد.

۹- هر درجه نزدیکی جمهوری اسلامی و غرب به سکوت بیشتر دولتها و اغلب نهادهای جهانی در قبال نقض حقوق بشر و تروریسم اسلامی در رابطه با خود جامعه ایران منجر خواهد شد. اعتراض دولتهای غربی و نهادهای بین المللی به نقض حقوق بشر در ایران و کلا در هر کشور دیگری تابعی از رابطه سیاسی و دیپلماتیک آنها با کشور مربوطه است. از سوی دیگر نقد و اعتراض دولتهای غربی به تروریسم اسلامی بخاطر مغایرت آن با سیاستها و اهداف این دولتهاست و نه بخاطر جنایاتی که نیروها و دولتهای اسلامی در کشور تحت سطره و جامعه محل فعالیت خود مرتکب میشوند. در شرایط تازه در کنار سکوت بیشتر دولتها، هم در ایران

## قطعنامه در مورد تاثیر مذاکرات و توافقات هسته ای بر وضعیت سیاسی ایران

از صفحه ۲

جهانی و صندوق بین المللی پول بمنظور جذاب کردن و قابل رقابت کردن کارکرد سرمایه در ایران است و این برای طبقه کارگر و توده مرم کارکن و زحمتکش معناتی بجز ادامه بیحقوقی و بی تامینی اقتصادی نخواهد داشت.

۸- یک تاثیر مذاکرات و چشم انداز بفرجام رسیدن آن تضعیف بیش از پیش موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی است. دولت آمریکا و متحین اروپائی اش هم برای اعمال فشار بیشتر به جمهوری اسلامی با هدف به تسلیم کشاندن کامل آن و هم بمنظور اطمینان خاطر دادن به متحین سنتی خود در منطقه سیاست تعرضی تر و فعال تری را علیه دخالتگریهای منطقه ای جمهوری اسلامی در پیش میگیرند.

## یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

### زنده باد مجمع عمومی، زنده باد شوراهای واقعی کارگران!

و تصمیمگیری در جلسات مجمع عمومی است.

تشکل شورا نیز یکی از ایده های مطرح شده در جلسات مجمع عمومی کارگران نورد و لوله صفا است. شورا چیزی بجز مجمع عمومی منظم کارگران نیست و کارگران اعتصابی نورد و لوله صفا فی الحال مهمترین گام برای تشکیل شورا را بجلو برداشته اند. تشکیل مجمع عمومی در دل اعتصاب کارگران و درسها و آموزشهایی که این تجربه برای کل طبقه کارگر ایران در بر دارد تا همین جا دستاورد بزرگی برای جنبش کارگری است. تشکیل شورا یک تحول کیفی در جنبش کارگری و یک جهش بزرگ به جلو برای کارگران در سراسر ایران خواهد بود. شوراهای یک دستاورد مهم جنبش کارگری در انقلاب ۵۷ بود که بوسیله جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی اش به مسخ و تحریف و شکست کشیده شد. اما ایده و سنت شوراهای جنبش مجمع عمومی همیشه در میان کارگران در ایران زنده بوده است. کارگران اعتصابی نورد و لوله صفا میتوانند پیشرو جنبش نوین شورائی طبقه کارگر ایران باشند.

زنده باد کارگران نورد و لوله صفا!

زنده باد شوراهای واقعی کارگران!

یک دستاورد بزرگ اعتصاب کارگران نورد و لوله صفا که یک ماه است ادامه دارد تشکیل مجمع عمومی و بحث و تبادل نظر و چاره جوئی در مورد مسائل مبارزاتییشان است. بیش از هزار کارگر اعتصابی منظم در مجمع عمومی گرد می آیند، در مورد مطالبات و خواسته هایشان و مقابله با ترفند ها و مانع تراشیهای کارفرما و دولت و نهادهای دست سازشان نظیر خانه کارگر بحث و تبادل نظر میکنند، تصمیم میگیرند، نمایندند و سخنگو انتخاب میکنند و مبارزه شکوهمندشان را به پیش میبرند. تا کنون کارگران هفت بار مجمع عمومی تشکیل داده اند و هر بار قویتر و متحد تر در برابر کارفرما و دولت ظاهر شده اند. پرداخت چهار ماه دستمزدهای معوقه، پرداخت ۱۷ ماه حق بیمه به تامین اجتماعی بوسیله کارفرما و آزادی فوری شاپور احسانی راد که بعنوان نماینده و مشاور کارگران از جانب مجمع عمومی انتخاب شده بود، از جمله مهمترین خواستههای کارگران است که در جلسات مجمع عمومی بعد از بحث و تبادل نظر تدوین شده، به تصویب مجمع عمومی رسیده و بعنوان خواستههای اعتصابیون اعلام شده است. تهیه طومار، تجمعات اعتراضی در سطح شهر، و شرکت خانواده ها در این تجمعات نیز از دستاوردهای دیگر کارگران اعتصابی و بحث

## فاسد کیست؟

"حضور بانوان در ورزشگاهها ضرورتی ندارد و با توجه به مفاسدی که در پی خواهد داشت، زنان نمیتوانند مسابقات را از طریق تلویزیون تماشا کنند". مکارم شیرازی

این گونه اظهارات از جانب فسیلهای اسلامی تازه نیست. آنچه تازه است تعرض گسترده زنان برای ورود به استادیومها است که یک بروز برجسته آن اعتراضات و طرح جهانی

این مساله بوسیله جوانان کمونیست و زنان و مردان آزادیخواه در استکهلم به بهانه بازی تیم ملی فوتبال ایران و سوئد بود. بدنبال این بازی که به یک افشاگری و رسوائی وسیع برای جمهوری اسلامی تبدیل شد بعضی مقامات حکومتی ناگزیر شدند از امکان حضور زنان در بعضی رشته های ورزشی سخن بگویند و جناح اصولگرا نیز وظیفه خود دید که حتی در برابر همین اظهارات نیم بند بایستد و به همه یادآوری کند که زن ستیزی از خصوصیات ماهوی و بنیادی جمهوری اسلامی است. این اظهار نظر اخیر مکارم شیرازی که قبلا نیز بارها - از جمله در ضدیت با وزیر شدن زنان و لغو تفکیک

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰:FEC ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

### زیرساخت اقتصادی جمهوری اسلامی چیست؟

شرکت نیکو در سوئیس می دهد، در حالی که این مدیر ۱۲ ماه سال ۱۴ ماهش در ایران است! حقوق و پاداش ۱۰۰ میلیون یعنی حرکت به سمت اشرافیگری، فرد مورد نظر نه تخصص و نه توانایی دارد فقط نیروی آقای زنگنه و مطیع امر اوست. آقای زنگنه تمام اعوان و انصار خود را وارد حوزه نفت کرده و حیف و میل بیت المال اولویت وی شده است.

باید به نماینده اردستان گفت این اولویت همه دار و دسته های حکومتی است. همه باندهای مافیائی حاکم از بیت رهبری تا رفسنجانی و از سپاه و آیت الله ها و امام جمعه ها تا وزرا و مقامات و اعضای کابینه روحانی، باندهائی که هر یک بر بخشی از درآمدهای نفتی و معادن و جنگلها و بانکها و اسکله ها و فرودگاهها و بازار قاچاق ارز و کالا چنگ انداخته اند، اولویتشان چیزی بجز پر کردن جیبهای خود و همدستان و همپالکیهای جناحشان نیست. دزدی و چپاول و حقوقهای صدها میلیونی و "حیف و میل بیت المال" در ایران استشنا نیست، زیر ساخت اقتصادی جمهوری اسلامی است!

"آقای وزیر نفت ماهیانه ۱۰۰ میلیون تومان به مدیر شرکت نیکو در سوئیس می دهد". سایت نفت ما

یعنی مبلغی معادل دوازده سال حقوق یک کارگر در آمد ماهیانه مدیر این شرکت نفتی است! و این تازه مبلغی نیست که به عنوان حقوق به جناب مدیر میدهند بلکه جزء کوچکی از دزدی و ارتشا و چپاولی است که سر تا پای جمهوری اسلامی را فراگرفته است. این جزئی از افشارگیهای باندهای حکومتی از دزبهای باند رقیب است که تا کنون از هزارن میلیارد دلار دزدی و اختلاس و غیب شدن اموال بیت المال بقول خودشان "رونمایی" کرده اند. آخرین خبر در این مورد اظهارات وزیر دادگستر جمهوری اسلامی مبنی بر قاچاق بیش از ۵۵ میلیارد تومان کالا و ارز از مبادی رسمی کشور است.

این بار نوبت نماینده اردستان است که بته وزیر نفت دولت تدبیر و امید را روی آب بیاندازد. ایشان میگوید: "آقای وزیر نفت ماهیانه ۱۰۰ میلیون تومان به مدیر



# داعش را میتوان و باید متوقف و نابود کرد!

## بهر روز مهرآبادی

نویسنده روزنامه سوئدی افتون بلاد و لنگانگ هانسون سوالی را در مقابل خوانندگان خود قرار داده است. او نوشته است که نزدیک به یک سال است که ائتلاف آمریکا و ۶۰ دولت نتوانسته است دولت اسلامی داعش را در هم بشکند. این گروه تروریستی به اشغال شهرها ادامه می دهد و دنیا همچنان ایستاده و نظاره گر است. او پرسیده است: "آیا کسی می تواند داعش را متوقف سازد؟" و نوشته خود را هم با این سوال پایان داده است که: "دنیا چقدر فرصت دارد؟"

نویسنده روزنامه افتون بلاد به توضیح وضعیت داعش در عراق و سوریه می پردازد. نیرویی که به ادعای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در حدود سی هزار نفر سرباز دارد و در چندین جبهه میجنگد توانسته است در مقابل ارتش دولتهای عراق و سوریه بایستد، بر مناطق وسیعی در این دو کشور سلطه داشته باشد و خلافت اسلامی اعلام کند. بنظر ولفگانگ هانسون این با هیچ منطق استراتژی های نظامی سازگار نیست. او حملات هوایی آمریکا و متحدانش به پایگاه های داعش را بدون وجود نیروی زمینی قابلی که بتواند مکمل این حملات باشد، کافی و موفق نمی داند و به علل ضعف و ناتوانی ارتشهای سوریه و عراق در مقابل داعش را توضیح می دهد.

اما آیا حتی وجود چنین نیروی زمینی قدرتمندی می تواند مانعی برای ارتش جنایتکارانی باشد که از تاریکترین اعماق تاریخ سر بر آورده اند،

جنایتکارانی که تنها چیزی که برایشان بی ارزش است زندگی انسان است و بجز کشتار و غارت منطقی نمی شناسند؟ آنچه تحلیلگران سیاسی نظیر نویسنده روزنامه افتون بلاد و یا سیاستمداران دولتهای غربی نمی خواهند به روی مبارک بیاورند، این است که داعش بر زمینه چه اوضاع سیاسی بوجود آمد، رشد کرد و پیشروی های امروز آن تابع کدام معادلات سیاسی است.

بوجود آمدن داعش نتیجه شقه شقه کردن جامعه عراق به مذاهب و قومیت های مختلف و دامن زدن و گسترش شکافهای مذهبی و قومی توسط دولت آمریکا و متحدانش بود. با اشغال عراق توسط دولت آمریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۳ شیرازه جامعه مدنی از هم پاشیده شد. عراق رسماً بین گروههای مختلف قومی و مذهبی تقسیم شد و مردم بر اساس مذاهب و قومیت های مختلف هویت گرفتند. نهادهای مختلف قدرت هر کدام در اختیار یک مذهب و قوم قرار گرفت. با سقوط صدام مردم نه تنها اجازه کمترین دخالت در اداره امور جامعه نیافتند بلکه مورد تهاجم بانواع مختلف باندهای مختلف مذهبی و روسای قبایل و دستجات مسلح زیر فرمان آنها قرار گرفتند. قوانین وحشیانه ضد زن مصوب و به اجرا درآمد. و حملات به نیروهای سکولار، جنبش های آزادیخواه و برابری طلب دامنه گسترده تری پیدا کرد. و هزاران نفر از مردم قربانی کشمکها و بمب گذاری های باندهای مختلف مافیائی مذهبی و قومی شدند. دولتهای غربی نه

تنها در مقابل جنایات دولت ها و دستجات مختلف قومی اسلامی سکوت کردند بلکه به شکلهای مختلف آنها را مورد حمایت قرار داده و به سازماندهی و تسلیح آنها کمک کردند. ظهور و گسترش نیروی فوق ارتجاعی داعش در چنین شرایطی و با حمایتهای آشکار و پنهان عربستان، ترکیه و متحدان غربی آنها در کشمکش با جمهوری اسلامی امکانپذیر شد و همچنان نیز ادامه دارد.

آنچه که در بسیاری تحلیل های سیاستمداران غرب و ژورنالیست های رسانه های بورژوازی وجود ندارد سرنوشت میلیونها نفر مردم عراق و سوریه است که بطور دائمی در معرض تهدید و تعرض قرار دارند و فاجعه بزرگی است که هر روزه در این دو کشور بوقوع میبویند. تصاویر و گزارشهای هولناک انتشار یافته سربریدن، سوزاندن، تجاوز، غارت، به بردگی گرفتن و خرید و فروش زنان و کودکان فقط گوشه های کوچکی از این فجایع را نشان می دهد.

آخرین اخبار حاکی از پیشروی های جدید داعش در عراق و سوریه است. جانیان داعشی هفته گذشته شهر رمادی در عراق را تصرف کرده و در روزهای اخیر شهر تاریخی تدمر (پالمیرا) را اشغال کرده اند. آنچه که محور اصلی اخبار رسانه های پرتیراژ و قدرتمند را تشکیل می دهد نگرانی از خرابی میراث باستانی چند هزار ساله در این مناطق است. از جمله مدیر یونسکو نگرانی خود را از تخریب احتمالی شهر تدمر سوریه اعلام داشته و آنرا ضایعه ای بزرگ برای بشریت دانسته است. در نگرانی مدیر یونسکو

باید شریک بود. دشمنی وحشیانه با فرهنگ و تاریخ و آثار هنری و تاریخی یک خصلت نیروهای مختلف اسلامی است. آثار گرانبهای هنری و تاریخی بیشماری توسط جمهوری اسلامی در ایران، یا نیروهای رنگ وارنگ اسلام سیاسی در افغانستان، عراق، سوریه و هر جای دیگر دنیا که حاکمیت یافته اند، تخریب شده و یا به غارت رفته است. این خطر در شهرهای اخیرا اشغال شده در سوریه و عراق هم جدی است. اما آنچه که کمتر نسبت به آن ابراز نگرانی میشود سرنوشت میلیونها انسانی است که هر لحظه در معرض تهدید نیروهای اسلامی قرار دارند، گلوشان بریده میشود، سوزانده میشوند، سنگسار میشوند و یا زنان و کودکانی که به بردگی گرفته شده، مورد تجاوز قرار میگیرند و در بازارها به فروش می رسند.

اگر فرار ارتشهای مقتدر دولتهای عراق و سوریه از مقابل نیروهای اندک داعش و از هم پاشیده شدن آنها ناشی از بهم خوردن توازن قوای سیاسی در منطقه و معاملات و زد و بندها بین قدرتهای منطقه است، شکست و نابودی ارتش داعش هم در گرو قدرتگیری نیرویی سیاسی است که هیچ نفعی در بقای هیچ نیروی اسلام سیاسی نداشته و از بنیان با آن مخالف باشد. و فقط مردم سکولار، کمونیست ها و آزادیخواهان بطور جدی خواهان نابودی قشون جانوران اسلامی هستند. تجربه کوبانی این را نشان داد که داعش و حتی دولت حامی آن ترکیه در مقابل اراده مردمی که عزم ایستادن در مقابل این وحشی ها را

دارند، قدرت مقاومت ندارد. برای نظاره کردن صحنه های اعدام، سنگسار، تجاوز و جنایات نیروهای اسلامی در عراق، سوریه و هر کجای دیگر جهان هیچ فرصتی باقی نیست. باید بدون درنگ به این توحش خاتمه داد. صحنه این مبارزه نه فقط در عراق و سوریه بلکه در سراسر جهان است. باید صف مردم متممندن، سکولار و کمونیستهای عراق و سوریه را در مقابل اسلاميون تقویت کرد. سکوت و حمایت دولتهای غربی از دولتها و نیروهای مرتجع اسلامی به بهانه احترام به "سایر فرهنگها" باید افشا نمود. دنیا باید بلند شود و از حقوق انسانی و آزادی های مردم کشورهای اسلامزده در مقابل نیروهای مرتجع حاکم بر آنها حمایت کند. دولتهای غربی را باید واداشت از همراهی، همکاری و تغذیه نظامی و سیاسی نیروهای اسلامی دست بردارند. باید زد و بند های دولت آمریکا و دولتهای غربی با نیروهای اسلامی را افشا کرد. سر مار اسلامی سیاسی در ایران است، جمهوری اسلامی را باید مورد تعرض دائمی قرار داد و آنرا در هم کوبید. جنبش اسلامی را باید در همه جای دنیا کوبید، ایزوله کرد و به عقب راند. در چنین فضایی است که جنبش های مردمی و رادیکال بسرعت رشد خواهند کرد و نه تنها خواهند توانست در مقابل داعش و دولتهای داعشی نظیر جمهوری اسلامی بایستند بلکه قادر خواهند بود آنها را نابود کرده و بشریت را از شر آنها خلاص نمایند.

# از ما میپرسند؟

**حزب کمونیست کارگری رابطه جنسی بزرگسالان را امر خصوصی آنها میدانند و دخالت افراد و نهادها و دولت در اینگونه رابطه را جرم می داند و محکوم می کند. آیا اگر این رابطه خارج از ازدواج رسمی باشد عملی مذموم و نکوهیده برای زن یا مردی که در رابطه مشترک خارج ازدواج بسر می برند، نیست؟ نهاد خانواده را از بین نمی برد و خیانت محسوب نمی گردد؟**

کاظم نیکخواه:

سالهای سال با هم زندگی میکنند و حتی بچه دار میشوند. فکر میکنم اگر بر اساس پیشداوریهای مذهبی و عهد عتیقی به مردم نگاه نکنیم، اگر مردم را صغیر و ناقص العقل به حساب نیاوریم که همچون گله به چوپان و بند و زنجیر نیاز دارند، فهم آنچه ما میگوئیم بسیار ساده و بدیهی باشد. چه چیز بدیهی تر و طبیعی تر و سالم تر از این است که بگوئیم آدمهای بالغ آزادند تا هرچیز دلشان میخواهد با هم زندگی کنند؟ مگر مردم برای زندگی کردن دور هم جمع نمیشوند؟ چه کسی گفته است که روابط جنسی افراد باید با اجازه آخوند و کشیش و مقام دولتی باشد؟ اگر چیزی احتیاج به استدلال و اثبات داشته باشد همین است که آدمها برای ارتباط ساده و طبیعی انسانی باید به حضور کشیش و آخوند بروند یا باید از مراجع دولتی اجازه بگیرند و یا تعهد بدهند و امثال اینها. فکر نمیکنم هیچکس بتواند از این



تعهد و اصل عهد عتیقی حتی دو دقیقه با استدلال و منطق دفاع کند. تنها حرفی که دارند اویلای "بی بند و باری" و "سست شدن بنیاد خانواده" و "فساد است. جوابشان هم اینست که بگذار این بنیاد سست شود و از هم بپاشد. چه چیزی فساد است؟ اینکه دو فرد بالغ فقط بر اساس تمایل و عشق با هم رابطه برقرار کنند یا اینکه پای پول و آخوند و دولت را به رابطه عاطفی افراد بکشانند؟ برای ما خانواده اصلا مقدس نیست. لازم نیست به قرون گذشته برویم به همین صحنه ایران نگاه کنید. آیا زندگی ساده و عاشقانه جوانان با هم فساد است یا اینکه یک شیخ پشم الدین مفتخور پولدار به صرف پولدار

همانگونه که در این سوال اشاره شده از نظر ما رابطه جنسی و عاطفی و عشقی افراد بزرگسال امر خصوصی آنهاست. نه به دولت مربوط است و نه به نهادهای مذهبی. هیچکس حق دخالت در این رابطه را ندارد. حقیقت اینست که اکنون این نوع رابطه آزادانه و غیر سنتی در اکثر کشورهای جهان وسیعاً رایج است و در خیلی از کشورها از نظر قانونی و حقوقی هم برسمیت شناخته شده است و حتی در ایران تحت حکومت اسلامی هم علیرغم وجود قوانین بسیار وحشیانه علیه رابطه خارج از ازدواج مذهبی و رسمی، بنا به گزارش رسانه های دولتی بخش قابل توجهی از جوانان بصورت ازدواج سفید با هم زندگی میکنند و این پدیده در همه جا در حال گسترش است. یعنی افراد بدون تعهد مالی و مذهبی و حقوقی، و صرفاً بر اساس عشق و تمایل آزادانه با هم ارتباط برقرار میکنند و در بسیاری موارد

بودن و یا بیپول بودن خانواده دختران، و تحت همین لوی مقدس خانواده با چند زن رسمی و چند زن صیغه ای رابطه برقرار کند؟ دفاع اینها از نهاد خانواده اساساً از همینجا ناشی میشود. حتی آنجا که پای چند همسری در میان نیست هنوز بطور رسمی زن از موقعیت فرودست و نابرابری در خانواده برخوردار است و در اکثر موارد با تجاوز و سرکوب و پایمال شدن تمایلاتش روبرو میشود. در واقع این رابطه خانوادگی است که مصداق دقیق تجاوز و تن فروشی و فساد است نه رابطه آزادانه افراد. خانواده در واقع پرورش رسمی و اخلاقی بر بهره کشی و بردگی جنسی زنان توسط مردان است. جامعه ای که ما از آن دفاع میکنیم اولین کاری که میکند ریشه فقر را میخشکاند و سلطه و یکه تازی یک اقلیت مفتخور صاحب ثروت را نیز از بین میبرد. با همین اقدام اساسی، بنیان خانواده مقدس سست میشود. خانواده در واقع سلول جامعه طبقاتی و

## بیستم ژوئن برابر با سی خرداد

### علیه شکنجه و زندان و اعدام در روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران



خانواده شان را تهدید و دستگیر میکنند تا به خیال خود خاموششان کنند. در مقابل، زندانی خطاب به دنیا بلندتر سخن میگوید و در نامه هایش جنایات رژیم را افشا میکند، جان خود را به خطر میاندازد و از حق زنده ماندن همبندیش که صفحه ۸

بر نمیدارد. زندانی در مقابل مامورین زندان و شکنجه گران دست به اعتراض جمعی زده و فریاد میزند "مرگ بر دیکتاتور، زنده باد آزادی، مرگ بر حکومت اعدام". بهنام ابرهیم زاده ها و رسول بدافی ها را تهدید و شکنجه و به سلول انفرادی منتقل میکنند،

حمله قرار گرفته اند. ماشین جنگی رژیم برای حفظ بقای خود قصد نابودی هر کسی را دارد که به نحوی موجودیت نظامش را به خطر میاندازد. علیرغم وحشیانه ترین سرکوبها در ۳۶ سال اخیر، اعدام ده ها هزار نفر و شکنجه، زندان و اذیت و آزار صدها هزار و بلکه میلیونها نفر در ایران رژیم نتوانسته است اعتراض و مبارزه را در ایران خاموش کند. اعتراض زندانیان سیاسی از داخل زندان گواه مهم و عینی در بیان این واقعیت است. زندانی به دلیل اعتراضش در جامعه به زندان میافتد اما در داخل زندان نیز دست از مبارزه

عقیده مذهبی متفاوت، فعال کودک به جرم دفاع از کودکان کار و خیابان، دانشجو به جرم دفاع از سنگر آزادی، کودک به جرم اینکه پدر و مادرش در زندان است، خانواده زندانی به جرم درخواست ملاقات و آزادی فرزند دلبندهش، زندانی به جرم اعتراض در زندان، جان بدربرده از شکنجه و زندان به جرم افشای جنایات رژیم، خانواده اعدام شده به جرم جستجوی محل دفن فرزندش ..... واقعیت اینست که بخش اعظم مردم ایران در طول بیش از سه دهه مرتباً در معرض حمله رژیم جنایتکار اسلامی بوده اند و تمامی عرصه های زندگی و سلامت جانی و روانیشان مورد

بیش از سه دهه از حاکمیت رژیم شکنجه و اعدام در ایران میگردد. در طول این مدت رژیم از هر فرصت و بهانه ای جهت سرکوب، اذیت و آزار، دستگیری و اعدام و حذف فیزیکی کسانی که به هر شکلی با سیاستها و چهارچوب نظام مخالفت کرده اند دست زده است. کارگر و معلم و پرستار به جرم مطالبه حق و حقوق و اعتراض، وکیل به جرم دفاع از آزادی موکل، زن به جرم زن بودن و نیذیرفتن قوانین ضد زن، هنرمند و نویسنده به جرم استفاده از قلم و هنر، همجنسگرا به جرم تمایل جنسی اش، جوان به جرم شاد بودن، بهائیان به جرم داشتن

## معلمان کوتاه نمایند



مبارزه عادلانه و آزادیخواهانه کل مردم ایران علیه فقر و بیحقوقی و نابرابری و تبعیضی است که جمهوری اسلامی و دزدان حاکم به مردم تحمیل کرده اند. در شرایطی که جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم بیش از همیشه ناتوان شده است، باید با قدرت این مبارزات را تقویت کرد.

حزب کمونیست کارگری این مبارزه را ارج مینهد، بر اهمیت آن تاکید میکند و همه مردم، کارگران، دانشجویان و جوانان، زنان و بازنشستگان را به شرکت در این اعتراضات و اعلام همبستگی با معلمان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱ خرداد ۱۳۹۴، ۲۲ مه ۲۰۱۵

گردهمایی زده و صدای اعتراض زندانیان سیاسی و خانواده هایشان را به گوش جهانیان میرسانیم.

بیستم ژوئن - سی خرداد متعلق به زندانیان سیاسی است، متعلق به تک تک کسانیست که به هر نحوی در طول این ۳۶ سال در معرض جنایات رژیم قرار گرفته اند. در هر نقطه ای از جهان که هستید با گردهمایی، سمینار، حرکت سمبلیک، صدور بیانیه و پیام، سخنرانی و افشاکاری در این روز، به روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی پیوندید.

شیوا محبوبی  
سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران  
۱۳ می ۲۰۱۵ برابر با ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

قضایی، رسول بداعی را آزاد کنید، معلم زندانی را آزاد کنید، این رتبه بندی کلاه گشادی است، تا زمانی که اقدامی عملی از طرف دولت در جهت ارتقاء معیشت فرهنگیان صورت نگیرد به اعتراض ادامه خواهیم داد.

معلمان خواهان افزایش حقوق بالاتر از خط فقر، آزادی معلمان زندانی و لغو احکام قضایی، حق تشکل، حق مسکن، بهبود وضعیت بیمه، استخدام رسمی معلمان پیمانی، تحصیل رایگان، پایان دادن به خصوصی سازی مدارس، ارتقاء کیفیت آموزشی و دیگر خواست های خود هستند.

از اعتراضات و خواست های بحق معلمان باید با تمام قوا پشتیبانی کرد. مبارزه معلمان بخشی از

دور جدید اعتراضات سراسری معلمان که از اواخر دیماه ۹۳ شروع شده است همچنان ادامه دارد و فروکش نمیکند.

روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت معلمان کرج، خرم آباد، همدان، بوشهر، ارومیه، یزد، مریوان، الیگودرز، دلفان لرستان و زرین شهر اصفهان در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرها دست به تجمع اعتراضی زدند و عزم راسخشان را برای ادامه اعتراض تا رسیدن به خواست های بحق خود اعلام کردند.

معلمان در برخی تجمعات شعارهایی مبنی بر اتحاد میدادند و در تمام تجمعات پلاکاردها و بنر های متعددی در دست آنها بود از جمله: حقوق عادلانه، حق مسکن، آزادی معلمان زندانی و لغو احکام

### بیستم ژوئن برابر با

سی خرداد ...

از صفحه ۷

و این صدا را هر چه وسیعتر، هر چه عظیمتر به گوش مردم دنیا برسانیم. این صدا را با قدرت تمام در گوش سازمانهای جهانی و دولتهایی فریاد بزنیم که نمیخواهند و به نفعشان نیست صدای بیحقوقی مردم ایران و در عین حال صدای مبارزه شان را بشنوند.

در چهار سال اخیر در روز سی خرداد - بیستم ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، به همراه سازمانها، تشکلهای و شخصیتهای مدافع آزادی زندانیان سیاسی در سراسر جهان صدای زندانیان سیاسی بوده ایم. امسال نیز هر چه باشکوهتر و وسیعتر در روز شنبه بیستم ژوئن ۲۰۱۵ برابر با سی خرداد ۱۳۹۴، در کشورهای مختلف دست به

حکم اعدام گرفته است حمایت میکنند، از دارو و درمان محروم میشوند و به "اعدام خاموش" محکوم میشوند اما زندانی حاضر نمیشود صدای اعتراضش را خاموش کند. این یعنی صدای پر قدرت حق طلبی و مبارزه، این یعنی صدای پر صلابت انسانیت، این یعنی صدای مبارزه مردم ایران علیه رژیم جنایتکار اسلامی. زندانی سیاسی سمبل و تجلی اعتراض در جامعه است.

بیاید همه با هم این صدای قدرتمند و پر صلابت زندانیان سیاسی را از گلویمان فریاد زده

انترناسیونال  
نشریه حزب کمونیست کارگری  
سردبیر: بهروز مهرآبادی  
مسئول فنی: نازیلا صادقی  
ای میل: anternasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

